



"پاسخ!" یک دزد



شرمنامه "داور!" به جناب عزیز جرئت فرهنگی فرهیخته با یک بد اخلاقی دیگر از فکر و قلم دیگران (سایت جامعه باز، آزادی بیان، نوشته ارشام اریا دوشنبه 19 اردیبهشت 1390 و آزادی بیان، از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد) پاسخ سرقتی داده است. منابع اصلی آن نوشته را بخوانید و داوری کنید.

(1) <http://iranlodab.mihanblog.com/post/1>

(2) http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF%DB%8C_%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86

ازادی بیان

نویسنده: ارشام اریا

دوشنبه 19 اردیبهشت 1390

آزادی سخن گفتن (Freedom of Speech):

عبارت است از عدم سانسور و محدودیت در آزادانه سخن گفتن. واژه ی آزادی بیان (Freedom of Expression) که گاهاً استفاده می شود، بیانگر این است که واژه ی سخن گفتن (Speech) تنها محدود به معنی فعلی آن یعنی عمل سخن گفتن نمی شود، بلکه مقصود از آن هر گونه درخواست، دریافت و افشای اطلاعات و عقاید، بدون در نظر گرفتن رسانه ی مورد استفاده می باشد. آزادی سخن گفتن و آزادی بیان رابطه ی بسیار نزدیکی با آزادی اندیشه (Freedom of Thought) یا آزادی افکار (Freedom of Conscience) دارد. در عمل حق سخن گفتن در هیچ کشوری بی چون و چرا وجود ندارد و این حق معمولاً دچار محدودیت‌هایی می‌شود. همانند گفتگوهای منجر کننده (Hate Speech) که عبارت است از پرداختن به عناوین آبروبرانه، ارباب، یا آشوبگرانه یا فعالیت‌های زیان بخش بر علیه فرد یا گروهی از افراد براساس نژاد، جنسیت، سن، اقلیت، قومیت، مذهب، جهت گیری جنسی، هویت جنسی، از کار افتادگی، توانایی تکلم، جهان بینی، طبقه ی اجتماعی، شغل، ظاهر (قد، وزن، رنگ مو و مشابه آنها)، ظرفیت ذهنی، و هر تفاوت دیگری که ممکن است خلاف باور عده‌ای باشد.

علت محدودیت اعمالی از طرف دولت‌ها این است که اجرای آزادی بیان همیشه در بین ارزش‌های متقابل به میان می‌آید. یعنی زمانی که دو گروه دقیقاً نظرات متضاد با هم دارند.



حق آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق بشر در "اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر" و "قانون بین المللی حقوق بشر" در "عهدنامه‌ی بین المللی حقوق شهروندی و سیاسی" شناخته شده اعلام شده است. "عهدنامه‌ی بین المللی حقوق شهروندی و سیاسی"، تعریفی از آزادی بیان ارائه داده است که می‌گوید: "حق داشتن عقاید بدون ایجاد مزاحمت برای سایر عقاید. همه باید حق آزادی بیان داشته باشند."

همچنین قانون آزادی بیان قانون حقوق بشر محلی اروپاییان، امریکای مرکزی و افریقا شناخته شده اعلام شده است.

آزادی بیان

از ویکی‌پدیا، دانشنامه‌ی آزاد

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF%DB%8C_%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86

یکی از مجادله آمیزترین و بحث برانگیزترین مسائل در جوامع لیبرال امروزی مشخص کردن دقیق حدود مرزهای «آزادی بیان» است.^[۱] اکثر اختلاف نظرها در مورد محدودیت‌های آزادی بیان حول و حوش موضوعات زیر است: (۱) محدوده بیان چیست؟ مثلاً آیا صحنه‌های **شهوت آمیز** و یا مثلاً آگهی‌های تبلیغاتی گونه‌ای از بیان هستند که دفاع آزادی بیانی را بتوان در مورد آنها انجام داد. (۲) بیان ممکن است منجر به چه زیان‌هایی شود؟ نکته مهم این است که گاهی اوقات بیان نه تنها بیان یک سری جمله، بلکه *انجام یک عمل* نیز هست و آن عمل می‌تواند زیان آور باشد. مثلاً بدنام کردن یک نفر می‌تواند به او زیان برساند. گاهی اوقات اختلاف نظر در مورد اینکه آیا بیانی خاص زیان آور است یا نه وجود دارد (مثلاً مورد صحنه‌های **شهوت آمیز**)؛ یا اینکه اختلاف نظر در مورد اینکه آیا یک زیان نسبت داده شده واقعاً یک زیان است وجود دارد (مثلاً سخنرانی بر ضد یک حکومت که بسته به دیدگاه فرد میتواند واقعاً زیان آور باشد یا نباشد)؛ یا اینکه اگر فرض کنیم که زیان واقعی است، سؤال این است که زیان چقدر باید بزرگ باشد که محدود کردن بیان را توجیه کند؟ مثلاً آیا می‌توان سخنان توهین آمیز مذهبی را ممنوع کرد تا از آزار دیدن مذهبی‌ها جلوگیری کرد؟ پاسخ میتواند بستگی به این پیدا کند که آن سخنان توسط چه کسی بیان شده باشد، و یا اینکه آن سخنان در یک بحث جدی مطرح شده باشد، یا بصورت مسخره آمیز جهت آزردن افراد مذهبی. بجز این موارد بحث برانگیز، سؤال دیگری که مطرح است این است که آیا ممکن است بدون اینکه حق شخصی را از آزادی بیانش انکار کنیم، یا سعی در تعریف مرزهای آن بکنیم، شرایط بگونه‌ای باشد که ساکت کردن او کاری صحیح باشد. یکی از مشکلات عملی موجود این است که قانون گزاران و قضات نیاز به تمایزات دقیق بین «بیان قابل قبول» و «بیان غیر قابل قبول» دارند، ولی از طرف دیگر استدلال کلی فلسفی معمولاً توانایی رسم مرزهای مشخص را ندارند. علاوه بر این بدلیل ترس از قدرت سیاسی و یا بدترکیب شدن قوانین، ممکن است جایز نباشد که ممنوعیت قانونی برای برخی بیان‌ها وضع کرد، ولی از نظر اخلاقی انتظار داشت که



انسان‌ها آنها را نگویند (یعنی بیان آنها از نظر قانونی مشکلی نداشته باشد ولی کاری غیراخلاقی بحساب بیاید).^[1]

